

فلسفه مجازات جلد در فقه و حقوق بشر

محمد علی حق پناه
فارغ التحصیل کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق
haghpanah.66@gmail.com



چکیده

در این مقاله به بررسی فلسفه و مبانی مجازات جلد (تازیانه) در فقه و حقوق بشر پرداخته شده است، یکی از مجازات‌های بدنی جلد می باشد که هم در قانون مجازات کشور ایران و هم در فقه جزایی اسلام به نحو شایسته‌ای پرداخته شده است. این نوع از مجازات یکی از شایع‌ترین و قدیمی‌ترین مجازات‌ها بوده و تقریباً در تمام جوامع بشری برای تنبیه و ارعاب مجرمین در قبال ارتکاب برخی از اعمال ممنوعه وجود داشته است. جلد در اسلام به عنوان یک حکم امضایی مورد پذیرش قرار گرفته و اکنون در حقوق ایران به عنوان یکی از مجازات‌های اصلی شایع و مهم در قبال برخی از جرایم حدی و تعدادی از جرایم تعزیری و بازدارنده وجود دارد. در فقه جزای اسلامی تأکید بر اجرای فوری این حکم خود، حکایت از اهمیت و عنایت شارع مقدس در اجرای آن است. هر چند که در برخی از موارد تأخیر در اجرای حکم با توجه به مولفه زمان و مکان توسط حاکم شرع پذیرفته شده است. لازم به ذکر است پرداختن به ماهیت این مجازات به لحاظ تادیب و بازدارندگی شخص مجرم و همچنین ایجاد روحیه اطاعت پذیری از دستورهای شرع مقدس اسلام توسط افراد جامعه و تأثیر مطلوب از اجرای احکام الهی در سطح اجتماع اهمیت این موضوع را دو چندان می‌کند.

واژگان کلیدی: مجازات‌های بدنی، فلسفه مجازات‌ها، جلد، فقه، حقوق بشر.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین نهادهای حقوقی هر جامعه، سیستم کیفری آن جامعه است که نوع قوانین، مقررات و مجازات‌های تعیین شده در آن، نشانگر ارزش‌های اخلاقی و حقوقی یک کشور و سطح علم و فرهنگ و دانش آن است.

بدین لحاظ نظام جزایی یک کشور یکی از پایه‌های اساسی تمدن و فرهنگ در آن جامعه به شمار می‌رود. اما یکی از مؤلفه‌های اصلی نظام جزایی نیز بحث مجازات و کیفر است که دارای انواع مختلف و در هر دوره حقوق کیفری دارای فراز و نشیب‌ها و تغییرات فراوان بوده است. یکی از این انواع مجازات که دارای سابقه‌ای بسیار طولانی در زندگانی بشر است، کیفر بدنی است که از قدیم‌الایام در تمامی جوامع اجرا می‌گردیده است. این کیفر عذاب و دردی است که فرد خاطی باید با تمام وجود آن را تحمل کند و با ایجاد رعب و وحشت در دل دیگران آنان را نیز از ارتکاب جرم باز دارد. شیوه اجرای این نوع مجازات بسته به فرهنگ و عرف هر جامعه متفاوت بوده است.

اما تاریخ حقوق کیفری هر کشور بیانگر اعمال مجازات‌هایی است که به اشکال مختلف علیه مجرمین اعمال می‌گردیده است. به تدریج با پیشرفت جوامع و تکامل حقوق کیفری و تغییر در مبنای اجرای مجازات‌ها به مرور زمان اعمال این مجازات‌ها کاهش یافته تا جایی که در قرون اخیر اکثر کشورهای جهان اعمال این مجازات‌ها را از قوانین خود حذف نموده‌اند؛ اما این موضوع همچنان موافقان و مخالفانی دارد که در این مباحثات هنوز به نقطه یکسانی نرسیده و هر کشور با اتخاذ رویکردی موافق مصالح خویش با این موضوع برخورد کرده است. اسلام به عنوان برترین و کامل‌ترین دین، خواهان جامعه‌ای سالم و به دور از مظالم و مفسدات است، چرا که از دیدگاه اسلام، انسان افضل موجودات و مورد تکریم

الهی است و معرفت این ارزنده‌ترین گوهر وجود را خدای متعال به او عنایت فرموده و مسیر نیل به سعادت دو سرا را برایش ترسیم نموده است. بنابراین جامعه بشری باید جامعه ای سالم و صالح باشد، آرامش، امنیت و نظم در آن حکم فرما باشد، نیکی‌ها و فضایل در بین مردم و روابط اجتماعی ایشان محسوس و ملموس و فساد و تبهکاری مطرود و متروک باشد. هر جامعه‌ای برای حفظ نظم و صیانت از جان و مال و ناموس مردم و در جهت اجرای عدالت مقررات خاصی وضع می‌نماید. همان گونه که می‌دانیم از زمان خلقت انسان، پدیده جرم و جنایت و به تبع آن مجازات و کیفر در خارج، مصداق عینی و ملموس پیدا نمود، به طوری که خداوند حکیم اولین ترک اولی انسان و به دنبال آن کیفر و مجازاتش را در قرآن کریم بیان نموده است. زیرا در سوره مبارکه بقره خداوند حکیم می‌فرماید: « وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ » به آدم و همسرش گفتیم در بهشت بیارامید و از میوه‌ها و نعم فراوان آن بهره‌مند گردید. حیات اجتماع به عدالت و اجرای حدود الهی وابسته است، هیچگاه نمی‌توان آن را نادیده انگاشت و لحظه‌ای از اجرای آن درنگ کرد. در اصل اجرای حدود الهی در جامعه هیچ شک و شبهه‌ای نیست ولی درباره چگونگی اجرای آن دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد.

بیان مساله

یکی از مسائل بحث‌انگیز دنیای امروز، فلسفه مجازات است. در فلسفه مجازات از چرایی نه چستی آن سخن به میان می‌آید که از آن به مبنای مجازات یا اهداف مجازات نیز می‌توان تعبیر کرد و مراد تامل نظری و تحلیل و کنکاش عقلانی درباره یک پدیده است، بحث از فلسفه مجازات یعنی کوششی عقلانی برای دستیابی و شناخت مصلحتی که زیر بنا و اساس یک حکم شرعی است زیرا در اسلام احکام براساس مصالح و مفاسد بنا شده است. مجازات شلاق که یکی از شایع‌ترین و قدیمی‌ترین مجازات‌ها است و تقریباً در اکثر جوامع بشری

برای تنبیه و ارعاب مجرمین در قبال ارتکاب برخی از افعال ممنوعه وجود داشته است، در اسلام نیز به عنوان یک حکم امضایی و در موارد خاصی پذیرفته شده و اکنون نیز در حقوق ایران به عنوان یکی از مجازات‌های اصلی شایع و مهم در قبال ارتکاب برخی از جرایم حدی و تعدادی از جرایم تعزیری و بازدارنده وجود دارد. (احمدی موحد، ۱۳۸۳، ص ۱۳۴)

در فقه جزای اسلامی تأکید بر اجرای فوری این حکم خود، حکایت از اهمیت و عنایت شارع مقدس در اجرای آن است. اهمیت نگارش این مقاله از آن نظر است که چون جلد یکی از اقسام حد می‌باشد و در این میان اجرای حدود از اهمیت به سزایی برخوردار است. تعزیر، تأدیب یا عقوبتی است که نوع و مقدار آن در شرع تعیین نشده و به نظر حاکم واگذار شده است از قبیل حبس و جزای نقدی و شلاق که مقدار شلاق بایستی از مقدار حد کمتر باشد. (نجفی، ۱۳۸۹، ص ۱۲) شاید یکی از دلایل عدم اهتمام جدی به بحث فلسفه مجازات‌های اسلامی این است که حکومت در زمان‌های قبل در دست فقهای شیعه نبود و چون مجازات‌های اسلامی در اجرای آنها به وجود مجری قوی و عادل و حاکم نیاز دارد به همین علت بحث از فلسفه احکام مطرح نبوده و علما این بحث‌ها را مطرح نمی‌کردند.

مقصود از حقوق بشر در این بحث، دکترین دانشمندان حقوق بشر نیست بلکه حقوق بشر موجود در اسناد مهم بین‌المللی است (مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق حقوق مدنی و سیاسی، میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) عموم چالش‌ها و شبهه‌ها با تصویب اسناد حقوق بشری پیدا شده است و این نوشتار در صدد اثبات این معنا است که مجازات‌های بدنی (جلد) نه تنها با کرامت انسانی در تعارض نیست بلکه ابزار مهم و صحیحی جهت جلوگیری از نقض کرامت انسانی است. اصطلاح مجازات بدنی با این که از حیث لغوی دارای معنی و مفهومی نسبتاً روشن است اما تاکنون در هیچ یک از اسنادی که در خصوص حمایت از حقوق بشر تدوین شده است مورد تعریف قرار نگرفته است. شاید بتوان از عرف

بین المللی چنین تعریفی را بدست آورد: به طور کلی به وارد آوردن هر گونه صدمه یا آسیب یا ضربه فیزیکی (جسمانی) بر شخصی به جهت اعمال ضمانت اجرای یک سورتار جنایی یا غیرجنایی، مجازات بدنی گفته می‌شود. (امور تحقیق و پژوهش کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، ۱۳۹۰، ص ۵)

مجازات در لغت و اصطلاح

اهل لغت مجازات را به معنی پاداش دادن و جزا دادن در نیکی و بدی معنی نموده‌اند. (دهخدا، ۱۳۳۸، ص ۴۲۲) حقوقدانان مشقتی که مقنن به مجرم تحمیل می‌کند را مجازات یا کیفر نامیده‌اند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۳، ص ۶۱) عبدالحسین علی‌آبادی در تعریف مجازات می‌نویسد: « مجازات عبارت از تنبیه و کیفری است که بر مرتکب جرم تحمیل می‌شود مفهوم رنج از مفهوم مجازات غیرقابل تفکیک است و در واقع رنج و تعب است که شخص حقیقی مجازات می‌باشد. (علی‌آبادی، ۱۳۵۲، ص ۱) از نظر فلاسفه مجازات مشقتی است که هیئت جامعه به منظور تلافی و قصاص جامعه و اصلاح و تصفیه اخلاقی مجرم و مصونیت جامعه از اضرار وضع می‌کند. (سمیعی، ۱۳۲۵، ص ۱۲۴) فلسفه تشریح مجازات در مکتب اسلام هم‌چون سایر ادیان الهی موجب تهذیب نفوس و تربیت افراد بیان شده است. مجازات دارای اهداف متعددی است که می‌توان اهم آن‌ها را ارعاب، اصلاح و دفاع از جامعه مطرح نمود.

با این توضیح که منظور از اصلاح به عنوان یکی از اهداف مجازات، پیشگیری از ارتکاب جرم و ممانعت مجرم از تکرار تبهکاری است. بنابراین برای نیل به این اهداف مهم باید میان جرم ارتكابی و مجازات مجرم رابطه منطقی وجود داشته باشد. به طوری که ضرر کیفر درباره محکوم بیش از فایده ناشی از ارتكاب بزه بوده و مرتکب نفعی در ارتكاب مجدد آن

نداشته باشد. بدون شک دستورات اسلام خالی از مصلحت نبوده و رعایت مصلحت نیز صرفاً به خاطر سعادت و کمال انسان است. (ابوالحسنی، ۱۳۸۰، ص ۴۴). با این اهداف حقوقدانان برای مجازات‌ها خصوصیات و ویژگی‌هایی برشمرده‌اند که ضمن تشریح اساس مجازات و غرض از آن، بتواند موجب تفکیک مجازات‌ها از اقدامات تأمینی و تربیتی شود. این خصایص عبارتند از:

خصوصیات مجازات‌ها؛ ترهیبی و یا رنج آور بودن

شاید بتوان گفت که این خصوصیت اولین و قدیمی‌ترین خصیصه‌ای است که بشر برای مجازات شناخته است. کیفرها، شکنجه‌ها و عذاب‌های شدیدی که از روزگاران پیشین تا به امروز درباره مجرمین اجرا شده است. نشأت گرفته از این خصوصیت می‌باشد. امروزه نیز عده زیادی از حقوق‌دانان را نظر بر این است که مجرم از نظر امنیتی مسئول و مقصر است. (صانعی، ۱۳۵۴، ص ۱۸۱-۱۸۲) بنابراین می‌بایست با تحمل رنج و سختی مکافات عمل خود را باز دهد تا بدینوسیله هم حس انتقام‌جوئی مردم جامعه تسکین یابد و هم تحمل رنج شدید کیفر وجود مجرمین را پاک کرده و موجبات اصلاح اخلاقی و بازگشت آنان به اجتماع را فراهم آورد. ترهیب از نظر لغوی مصدر باب تفعیل از ریشه رَهَبَ و به معنای ترسانیدن دیگری می‌باشد. (عمید ۱۳۶۳، ص ۳۹۳) مجازات ترهیبی به کیفری گفته می‌شود که مستقیماً به بدن مجرم وارد می‌شود، مانند شلاق. (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۳، ص ۵۸۰) سزار بکار یا اظهار می‌دارد «برای آن که کیفر تأثیر مطلوب داشته باشد کافی است که رنج حاصل از آن بیش از سودی باشد که از جرم عاید می‌شود و برای این رنج بیشتر باید اثر قطعی کیفر و ناکامی از تحصیل سود حاصل از جرم در نظر گرفته شود» چنین طرز تفکری در طول تاریخ حقوق کیفری باعث وضع کیفرهای بسیار سنگین برای مجرمین شده است با چنین تصویری که هر چه شدت کیفرها بیشتر باشد، قدرت بازدارندگی آنها بیشتر می‌شود



و علت تشدید مجازات مرتکبین تکرار جرم نیز ناشی از این اندیشه کیفری می‌باشد. هرچند امروزه بوجی این رسالت مجازات‌ها آشکار شده است و در شرع مقدس تأکید بر پرهیز از مجازات‌گرایی است، تا آنجا که سقوط کیفر با وجود «شبهه» یکی از قواعد مسلم فقه جزایی است. (حسینی وردجانی، ۱۳۸۳، ص ۴۸)

خصیصه ترذیلی (رسواکننده)

این خصوصیت، ویژگی بارز و آشکار متمایزکننده مجازات از اقدامات تأمینی و تربیتی می‌باشد. حقوق‌دانان جزا را عقیده براین است که رسواکردن مجرم ضروری است تا بدین وسیله کسانی که از آبرو و شخصیت اجتماعی برخوردار بوده و جایگاه ویژه‌ای در جامعه دارند با ارتکاب جرم شرافت تحصیل شده خود را به باد دهند. برای اجتناب از تبهکاری و آلودگی جامعه و به منظور آسیب رساندن به حیثیت و آبروی اجتماعی بزهکار، رسواکردن مجرم امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است تا دیگران با اطلاع از ماجرای سهمناک مجرم‌مانه و رسوایی مجرم در ارتکاب جرم، تردید بیشتری به خود راه داده و از بزهکاری منصرف شوند. ژرمی بنتام به این خصیصه توجه کامل داشت و برای محکومین به حبس دو نوع زندان را پیشنهاد کرده بود. حبس دائم که برای مجرمین خطرناک است و باید زندان در مرکز شهر با دیوارهای بلند و سیاه باشد و حبس موقت، که زندانیان بتوانند از همه طرف اطراف زندان را رویت کنند و ملاقات عمومی نیز آزاد است. (ژان پرادل، ۱۳۷۳، ص ۶۲-۶۳) شارع مقدس نیز با چنین رویکردی به وضع برخی قوانین جزایی پرداخته که آن را در مجازات جرائمی چون محاربه یا اجرای برخی حدود می‌توان ملاحظه کرد که در برخی مواقع خصوصیت رسواکنندگی مجازات مورد نظر بوده است.

جلد یک نوع مجازات بدنی است که به موجب آن بدن مجرم از طریق نواختن ضربه به وسیله شلاق مورد درد و عذاب قرار داده می‌شود. معمولاً به شکل نوار چرمی به هم تابیده به طول تقریبی یک متر و به قطر تقریبی ۱/۵ سانتی متر می‌باشد که بسته به نوع مجازات با شدت های مختلف زده می‌شود، می‌توان گفت که جلد یکی از مجازات‌های بدنی است که در قوانین موضوعه نسخ گردیده است اما قانون‌گذار ایران در سطح گسترده ای با تأسی به منابع شرعی آن را به کار برده است. جلد در اسلام به عنوان یک حکم امضایی مورد پذیرش قرار گرفته و اکنون در حقوق ایران به عنوان یکی از مجازات‌های اصلی شایع و مهم در قبال برخی از جرایم حدی و تعدادی از جرایم تعزیری و بازدارنده وجود دارد. مجازات جلد در بیشتر موارد به عنوان یک مجازات تعزیری مورد استفاده قرار می‌گیرد و مجازات حدی جلد معمولاً ۱۰۰ ضربه یا ۷۵ ضربه است و به همین دلیل مجازات تعزیری تا ۷۴ ضربه یا ۹۹ ضربه تعیین می‌شود زیرا مجازات تعزیری به اعتقاد مشهور فقها نباید معادل مجازات حدی یا بیشتر از آن‌ها باشد یعنی هر جا مجازات حدی ۷۵ ضربه جلد می‌باشد مجازات تعزیری جرایم مشابه باید کمتر از آن باشد و هر جا مجازات حدی ۱۰۰ ضربه جلد باشد مجازات تعزیری جرایم مشابه کمتر از آن خواهد بود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

فلسفه مجازات بر اساس بینش اسلامی

در فلسفه مجازات از دیدگاه اسلام رسیدن به اهداف خاصی مورد نظر قانون‌گذار می‌باشد از جمله این اهداف عبارت است از:

الف) تأمین عدالت: خداوند می فرماید: «انا من المجرمین منتقمون، سجده، آیه ۲۲»: مسلماً ما از مجرمان انتقام خواهیم گرفت و از طرف دیگر، در اکثر جرایم علاوه بر این حرمت‌شکنی، مجرم به منافع و خواسته‌هایی دست می‌یابد که نامشروع و غیر قانونی هستند و رسیدن به آن منافع از طریق ارتکاب جرم، موجب محرومیت دیگران از حق مشروع خود می‌گردد. هم چنین مجرم با ارتکاب جرم، عواطف و احساسات مجنی علیه و بستگان او و سایر افراد جامعه را جریحه دار می‌کند و احساس امنیت و آسایش اجتماعی را که یکی از ارکان حیات اجتماعی سالم می‌باشد از بین می‌برد و تمام اینها از بین بردن عدالت در بُعد فردی و اجتماعی است. در این وضعیت است که نیاز به برقراری دوباره عدالت در جامعه احساس می‌شود و همه مکاتب حقوقی خود را به بازسازی عدالت، متعهد می‌دانند و هر کدام به گونه‌ای برای رسیدن به این هدف تلاش می‌نمایند.

ب) بازدارندگی: پیش‌گیری از ارتکاب جرم و ایجاد موانع برای جلوگیری از نزدیک شدن به زشتی‌ها و آلودگی‌های عملی و اخلاقی، بخش وسیعی از تعلیمات اسلامی را به خود اختصاص داده است. اسلام در کنار برنامه‌هایی که انگیزه‌های مجرمانه را از بین می‌برد و انسان‌ها را از درون اصلاح می‌کند، یک عامل بازدارنده بیرونی نیز قرار داده است که اگر کسانی علی‌رغم همه برنامه‌های تربیتی اسلام باز هم به طرف جرم و نقض قوانین رفتند و حقوق دیگران را پایمال نمودند، از بیرون آن‌ها را کنترل نماید و از اعمال مجرمانه آنها جلوگیری کند این عامل بیرونی، همان مجازات‌هایی است که توسط شارع وضع گردیده است و هر کدام به گونه‌ای از وقوع جرایم بیش‌تر جلوگیری می‌کنند البته طبیعی است که پیش‌گیری از ارتکاب جرم، باید به گونه‌ای باشد که بتواند بر احساسات سودجویانه و مجرمانه مجرمین بالفعل و بالقوه غلبه کند و به همین دلیل رسیدن به هدف پیش‌گیری نوعاً با نوعی خشونت و ایجاد ترس همراه است که احیاناً ممکن است با بعضی دیگر از اهداف

مجازات تعارض پیدا کند. در مجازات های تعزیری نیز، یکی از اهداف مهم مجازات، پیشگیری از وقوع جرایم است و حاکم اسلامی باید با توجه به این هدف، مجازات های مناسبی را برای جرایم وضع نماید؛ مثلاً در جرایمی که مجرم به دنبال رسیدن به منافع مادی نامشروع است، وضع مجازات های مالی می تواند نقش بازدارنده مهمی ایفا نماید تا این که به مجازات حبس یا تازیانہ اکتفا شود.

ج) اصلاح و تربیت: در بسیاری از جرایم، امکان بازسازی اخلاقی و اجتماعی مجرم برای آینده وجود دارد و مجرمین می توانند با یک برنامه تربیتی و اصلاحی، دوباره به جامعه بازگردند و راه صحیح زندگی را در پیش گیرند. البته از دیدگاه اسلام، انسان ها باید به گونه ای تربیت شوند که نه تنها خود هرگز به جرم و گناه نزدیک نشوند، بلکه دیگران را نیز نهی نموده و مانع وقوع جرم در جامعه بشوند، ولی علیرغم برنامه های تربیتی اسلام که در این جا فرصت ذکر آنها نیست، اگر کسانی مرتکب جرم شوند باز هم اسلام آنها را رها نکرده، بلکه سعی می کند برنامه های تربیتی مناسب با آن وضعیت را برای آنها اجرا کند و آنها را در همان شرایط مورد بازپروری دوباره قرار دهد. مهمترین برنامه تربیتی اسلام برای مجرمین، تشویق و ترغیب آنها به توبه و بازگشت به سوی ارزش های الهی است. در عین حال به نظر می رسد که مجازات در شرایط خاصی می تواند اثر تربیتی و اصلاحی نیز داشته باشد اگر چه این اثر نسبت به افراد مختلف متفاوت خواهد بود و به عنوان یک اثر یا هدف مهم و اساسی در فرآیند مجازات قابل توجه نیست بلکه و برای تربیت و اصلاح روحی و روانی افراد باید از شیوه های دیگری بهره گرفت و فقط در موارد محدود و نسبت به افراد خاصی این شیوه قابل استفاده است.

د) تهذیب مجرم و تکفیر گناه: خداوند در قرآن اشاره می کند که: «و من یقتل مؤمناً متعمداً فجزاؤه جهنم خالداً فیها و غضب الله علیه و لعنه و اعد له عذاباً الیما، نساء، ۹۳»: و هر کس،

فرد با ایمانی را از روی عمد به قتل برساند، مجازات او دوزخ است در حالی که جاودانه در آن می ماند و خداوند بر او غضب می کند و او را از رحمتش دور می سازد و عذاب عظیمی برای او آماده ساخته است. ولی به نظر می رسد همانگونه که برخی از اندیشمندان مسلمان بیان نموده اند جمع این دو نظریه به این است که مجازات این جهانی، اگر به همراه توبه و بازگشت مجرم و اصلاح درونی او همراه باشد، موجب رهایی او از عقوبت اخروی خواهد شد و آیه مربوط به قتل نفس هم به کسی اختصاص دارد که توبه نکند چون اگر قاتل توبه کند، مورد عفو قرار می گیرد و نیز گفته شده است که این آیه مربوط به کسی است که مؤمن را به دلیل ایمانش بکشد و چنین کسی در واقع کافر است و مستحق خلود در آتش. بنابراین، در این قسم از جرایم است که خود مجازات در تہذیب و تطہیر مجرم تأثیر دارد و موجب رهایی او از عقوبت اخروی خواهد شد، ولی در بسیاری از جرایم آن چه علت اصلی از بین رفتن آثار و تبعات اخروی جرم می شود، توبه واقعی است و اجرای مجازات دنیوی یا در معرض آن قرار گرفتن، لازم نیست.

ه) حفظ نظام اجتماعی: اسلام به عنوان یک شریعت و حیانی، همانگونه که حیات فردی انسانها را تحت پوشش خود قرار می دهد زندگی اجتماعی انسانها را نیز مورد توجه قرار داده است و بسیاری از دستورها و قوانین آن ناظر بر حیات جمعی انسانها است اسلام نفی شده است، بگونه ای که رسول گرامی اسلام (ص) رهبانیت امت خود را در جهاد می داند. بر این اساس اسلام برای تأمین حیات اجتماعی سالم و سازنده و عاری از هرگونه فساد و از هم گسیختگی برنامه های مختلفی را ارائه نموده است که در این جا مجال برای ذکر آنها نیست و تنها به تناسب بحث، به تأثیر نظام کیفری اسلام در تأمین و برقراری یک نظام اجتماعی سالم اشاره می کنیم.

حیات اجتماعی سالم در گرو وجود امنیت و آسایش عمومی و رعایت حقوق و تکالیف متقابل است و آسایش عمومی، در گرو حفظ اصول و ارکان یک حیات اجتماعی است. در یک نگاه استقرایی و بدون تأکید بر حصر، عناصر اصلی یک حیات اجتماعی عبارت‌اند از: دین، جان، مال، احترام و شخصیت انسان (ناموس یا نسل) و خرد و عقل انسان‌ها.

مجازات‌های بدنی از نظر موازین بین‌المللی حقوق بشر

موازین حقوق بشر از آغاز شکل‌گیری به برخی از رویه‌های کیفری نگاهی به شدت انتقادآمیز داشته است، خشونت در مجازات‌ها یکی از این رویه‌هاست. (نوبهار، ۱۳۸۱، ص ۳۲۵) به همین جهت در اسناد و قطعنامه‌های بسیاری مورد توجه قرار گرفته است؛ در برخی از موارد، ممنوعیت اعمال این نوع مجازات‌ها به طور مشخص در یک سند بیان گردیده‌اند و در بعضی موارد دیگر در اسناد مربوط به منع شکنجه و رفتارهای غیرانسانی، به ممنوعیت مجازات‌های ظالمانه، تحقیرآمیز و غیرانسانی تصریح گردیده است، که به برخی از مهمترین این موارد اشاره می‌گردد:

۱) کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز (۱۹۸۴)؛ در ماده ۱۶ آن آمده است: «دولت‌های عضو کنوانسیون متعهدند در قلمرو خود از اعمال دیگر رفتار یا مجازات‌های خشن، غیرانسانی و تحقیرکننده را که مشمول تعریف شکنجه موضوع ماده ۱ نیست، نیز جلوگیری نمایند و مقررات مربوط به شکنجه را در مورد آنان اعمال نمایند.»

۲) ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)؛ «هیچ کس را نمی‌توان مورد آزار و شکنجه یا مجازات‌ها یا رفتاری‌های ظالمانه یا خلاف انسانی یا تزدیلی قرار داد.



مخصوصاً قرار دادن یک شخص تحت آزمایش های پزشکی یا علمی بدون رضایت آزادانه او ممنوع است.»

۳) ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸): «هیچ کس را نباید مورد ظلم و شکنجه و رفتار یا کفیری تحقیرآمیز، موهن، یا خلاف انسانیت و شأن بشر قرار داد.»

۴) ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی های اساسی (۱۹۵۰): «احدی را نمی توان تحت شکنجه، رفتار و یا مجازات های غیرانسانی یا اهانت آمیز قرار داد.»

۵) ماده ۵ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (۱۹۶۹):

- «هر فرد حق دارد به لحاظ جسمی، روانی و اخلاقی مورد احترام صادقانه قرار گیرد.
- احدی را نمی توان تحت شکنجه، رفتار یا مجازات های بی رحمانه، غیرانسانی یا تزدیلی قرار داد.

• با همه افراد محروم از آزادی باید مطابق با حیثیت ذاتی بشر رفتار شود و ...»

«در برخی اسناد نیز مانند قطعنامه شماره ۴۴۰ دوم دسامبر ۱۹۵۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، قاعده ۳۱ مقررات مربوط به حداقل رفتار با زندانیان (۱۹۵۵)، ماده ۲۱ رهنمودهای سازمان ملل برای پیشگیری از بزهکاری نوجوانان (رهنمودهای ریاض) (۱۹۹۰)، ماده ۳ مشترک کنوانسیون های چهارگانه ژنو و ... به ممنوعیت مجازات بدنی به طور مشخص تصریح گردیده است. کمیته حقوق بشر به عنوان نهاد ناظر بر میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز در تفسیر عمومی شماره ۷ خود در سال ۱۹۸۲ ممنوعیت ماده ۷ را شامل مجازات بدنی مفرط می داند و مجدداً در سال ۱۹۹۲ در تفسیر شماره ۲۰ خود بر شمول

ممنوعیت ماده ۷ میثاق مذکور نسبت به مجازات‌های بدنی تأکید می‌نماید.» (ابراهیمی، بی تا) اما بارزترین مورد در رابطه با ممنوعیت مجازات‌های بدنی، کنوانسیون منع شکنجه و رفتار یا مجازات‌های خشن می‌باشد، که به جهت روشن شدن مطلب و اثبات ارتباط این کنوانسیون با مجازات‌های بدنی توضیحاتی ارائه می‌گردد. نظام حقوق بشری سازمان ملل در تلاش برای از بین بردن شکنجه و رفتارهای خشن قطعنامه‌های بسیاری را در این خصوص صادر کرده است. در تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۷۵ مجمع عمومی این سازمان طی قطعنامه‌ای به شماره ۱۳۴۵۲، اعلامیه حمایت از افراد انسانی در مقابل شکنجه و دیگر رفتارها و مجازات‌های خشن، غیرانسانی و تحقیرکننده را تصویب نمود و سرانجام به سال ۱۹۸۴ کنوانسیون منع شکنجه و رفتار و مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرکننده طی قطعنامه شماره ۳۹/۴۶ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید که تا نوامبر سال ۲۰۰۴ تعداد ۳۸ دولت به آن پیوستند. (مهرپور، ۱۳۸۲، ص ۱۹۴) در این کنوانسیون ضمن تشریح و تعریف مفهوم شکنجه و دیگر اعمال غیرانسانی، تعهدهای دولت‌های عضو را به طور مشخص بیان کرده و مکانیزم اجرایی آن را توضیح داده است. چنانچه در ماده ۱ آمده است: «شکنجه عبارت است از هر فعل عمدی که توسط آن درد یا صدمه شدید، اعم از جسمی یا روحی به منظور نیل به اهدافی چون کسب اطلاعات یا اقرار... وارد گردد، رنج و دردی که به طور ذاتی یا تبعی لازمه مجازات‌های قانونی است، شکنجه محسوب نمی‌گردد.» وقتی ماده مزبور هنگامی که این اعمال رنج آور بدنی یا روحی از نظر مقررات این کنوانسیون شکنجه محسوب می‌گردد که از سوی مقامات صلاحیت دار دولتی یا با تحریک آنها یا با رضایت یا سکوت رضایت بخش آنها اعمال شود.

در ماده ۱۶ نیز آمده است: «دولت‌های عضو کنوانسیون متعهدند در قلمرو خود اعمال دیگر از رفتار یا مجازات‌های خشن، غیرانسانی و تحقیرکننده را که مشمول تعریف شکنجه موضوع

ماده ۱ نیست، نیز جلوگیری نمایند و مقررات مربوط به شکنجه را در مورد آنان اعمال نمایند.» حال نکته مهم و قابل ملاحظه این است که آیا به موجب این کنوانسیون مجازات‌های بدنی چون تازیانه، قطع عضو و ... در شمول رفتارهای ممنوع مذکور در کنوانسیون واقع گردیده و آیا دولت‌های عضو این کنوانسیون نیز تعهد دارند که این چنین مجازات‌هایی را از قوانین جزایی خود حذف نموده و یا اصلاح نمایند؟ عنوان کنوانسیون عبارت است از «کنوانسیون منع شکنجه و هر نوع مجازات یا رفتار خشن، غیرانسانی و تحقیرکننده» بنابراین علاوه بر کلمه شکنجه واژه مجازات نیز به کار رفته است. در ماده ۱۶ نیز لحن عبارت به گونه‌ای است که هر نوع مجازات خشن، تحقیرکننده و غیرانسانی حکم شکنجه را دارد و ممنوع است.

اما از سوی دیگر در ذیل ماده ۱ تصریح شده که تعریف شکنجه شامل درد و رنجی که به طور ذاتی یا تبعی، لازمه مجازات قانونی است، نمی‌شود. بنابراین وقتی به حکم قانونی، مجازات جرمی مثلاً شلاق یا قطع عضو یا سنگسار باشد، ولو مجازات خشن به نظر برسد، مشمول تعریف شکنجه و ممنوعیت آن نیست. با این دید باید کلمه مجازات مندرج در عنوان و ماده ۱۶ را به معنای تنبیهی که خارج از رویه قانونی و حکم دادگاه اجرا می‌شود، تعبیر کرد. اما اشکالی که در اینجا پیش می‌آید در مفهوم لغت (punishment) است.

این کلمه در لغت به معنای تنبیه و اصطلاحاً به مفهوم مجازات است و به مجازات‌هایی که طبق قانون اعلام شده و به حکم دادگاه اجرا می‌شود، اطلاق می‌گردد. (مهرپور، ۱۳۸۲، ص ۹۹) دادگاه چنین خشونت را، خشونت به رسمیت شناخته شده (خشونت رسمی) نامیده است؛ زیرا چنین خشونتی به وسیله قانون مجاز شمرده شده و به وسیله نهادهای قضایی دولتی تنظیم شده و توسط نهادهای پلیسی اجرا می‌گردند. علاوه بر این در خصوص معیار زمانی برای قضاوت در خصوص هر مصداق مبنی بر غیر انسانی

بودن یا نبودن آن، دادگاه صریحاً بیان نمود که برای قضاوت درباره چنین مواردی تصمیم باید بر پایه رفتارهای کنونی در آن موضوع باشد و ضرورتی ندارد که بر پایه رفتارهایی باشد که در زمان شکل‌گیری کنوانسیون اروپایی حقوق بشر متداول بودند.

به عبارت دیگر، در خصوص قضاوت درباره مصادیق و رفتارها به اینکه آیا تحقیرآمیز، خشن و غیرانسانی هستند یا خیر، باید شرایط حال و زمان امروز در نظر گرفته شود، نه وضعیت مالی که کنوانسیون در آن هنگام تصویب شد. (همان، ص ۹۸)

نتیجه‌گیری

یکی از بحث‌برانگیزترین انواع مجازات، مجازات بدنی است که قدمت آن به ابتدای تاریخ مجازات می‌رسد و در طول تاریخ همواره مورد توجه واقع شده است گاهی به شکل مشروعیت بخشیدن به آن به منظور کیفر مجرمان و زمانی به شکل نفی آن در راستای تحقق اندیشه‌های حقوق بشری. مجازات بدنی کیفری است که متوجه جسم انسان بوده و رنج مادی و فیزیکی بر بدن انسان وارد می‌آورد. ثمره این بحث در مقوله مجازات‌های بدنی به خوبی نمایان است. با توجه به قدمت مجازات‌های بدنی در جوامع انسانی و نیز با در نظر گرفتن گسترش توجه به انسان و محوریت یافتن او در مناسبات، عقاید موافق و مخالف این نوع مجازات رو به تزاید گذاشته است.

مخالفین مجازات‌های بدنی عمدتاً این نوع مجازات را مخالف کرامت انسانی می‌دانند و یا این که آن را ناتوان در برآورده ساختن اهداف اصلاحی مجازات معرفی می‌نمایند. با بررسی مبانی مجازات‌ها به طور کلی در مکاتب غربی دریافتیم که آن دسته از مکاتب که قائل به وجود مبنا برای کیفر مجرمین هستند عمدتاً در دو نکته مشترکند و آن دو نکته عبارتند از: اولاً توجه تام و تمام به انسان مادی و موضوعیت داشتن رضایت حداکثری انسان و سنجش

سامیر مفاهیم از جمله کارآمدی، سودمندی، عدالت و ... با خواست‌های دنیوی انسان و ثانیاً حذف دین و اندیشه‌های دینی از قلمرو روابط اجتماعی انسان و تنزل دین به سطح مدیریت دنیای فردی انسان.

اما ادیان الهی و به طور خاص دین اسلام به عنوان بستر این تحقیق، با معرفی ساحت‌های مختلف وجودی انسان و تعریف مصلحت کلی انسان (و نه مصلحت صرفاً دنیوی که با منفعت اشتراک معنایی پیدا خواهد کرد) و نیز با معرفی راه‌های تنظیم روابط فردی و اجتماعی انسان برای نیل به این مصلحت در خصوص ابعاد ثابت و فطری انسان و ابعاد متأثر از زمان و مکان هر یک به فراخور برنامه‌های مجزای رشد و هدایت ارائه داده است. در نظام حقوقی ایران که درصد قابل توجهی از قوانین آن منبعث از فقه اسلامی بوده، برای بسیاری از جرایم مجازات‌های بدنی در نظر گرفته شده که عده‌ای از متجددین امروزی از آن به عنوان مجازات‌هایی ظالمانه و به دور از شأن انسانیت تعبیر و همین امر بهانه‌ای شده برای محکومیت مداوم ایران به نقض حقوق بشر از سوی مجامع مختلف بین‌المللی که با صرف‌نظر از بسیاری اغراض سیاسی که در این نوع محکومیت‌ها و گزارش‌ها وجود دارد، وجه بین‌المللی ایران را مورد خدشه قرار داده و به عنوان نقطه ضعفی برای قوانین اسلامی تلقی می‌گردد. گرچه نباید سعی تمام بر آن باشد که کلیه قوانین با این نوع اعلامیه‌ها تطبیق گردد، ولی شایسته است قانونگذار با ارائه تمهیداتی منطبق با ظرفیت‌های فقه اسلامی و اختیارات حکومتی، در جهت حل این مهم برآمده و حداقل با تغییر در قوانین تعزیری و حذف مجازات جلد که برای بسیاری از این جرایم در نظر گرفته شده و بسط دادن مجازات‌های جایگزین متناسب، تا حدودی از این فشارها کاسته و با دعوت از اندیشمندان و متفکرین در جهت ارائه راهکارهایی برای این امر (اعم از روشن کردن مواضع اسلام در



این زمینه و فهم واقعی آن به جهانیان و یا تعمق و تأمل بیشتر در احکام اسلام) گامی برای حل این معضل بردارد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

قرآن مجید

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

(کتاب فارسی)

- ۱- احمدی موحده، اصغر، ۱۳۸۳، اجرای احکام کیفری، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ص ۱۳۴
- ۲- اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، ج ۲، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۷، ص ۱۵۸
- ۳- ابراهیمی، محمد، تبیین موضوعی ممنوعیت شکنجه و رفتارهای غیرانسانی در نظام بین المللی حقوق بشر، چاپ اول، تهران، انتشارات خرسندی، ۱۳۸۹، ص ۹۲
- ۴- باهری، محمد، و داور، میرزا علی اکبرخان، نگرشی بر حقوق جزای عمومی، رضا شاکری، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۰، ص ۳۸۱
- ۵- باهری، محمد، حقوق جزای عمومی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ اول، ۱۳۴۷، جلد یک ص ۱۲۵
- ۶- بکاریا، سزار، رساله جرایم و مجازاتها (ترجمه دکتر محمد علی اردبیلی) نشر میزان، چاپ سوم، تهران، ۱۳۶۷
- ۷- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، تهران، ۱۳۶۳، شماره ۴۸۶۲ ص ۶۱- شماره ۴۵۶۸ ص ۵۸۰
- ۸- جعفرزاده، فخرالدین، اجرای احکام کیفری در حقوق ایران و فرانسه، چاپ اول، اصفهان، نشر دادیار، ۱۳۸۶، ص ۱۷۵
- ۹- حسینی ورد جانی، حسین، اجرای حدود در اسلام، مرکز پژوهشهای صدا و سیما، ۱۳۸۳، ص ۱۳۶
- ۱۱- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷، جلد ۵
- ۱۲- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه جلد ۴۳ چاپ سیروس، تهران ۱۳۳۸ ص ۴۲۲
- ۱۳- دانش، تاج زمان، حقوق زندانبان و علم زندان ها، چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۶۸ ص ۶۶
- ۱۴- زراعت، عباس، حقوق جزای عمومی، ج ۲، تهران، ققنوس، ۱۳۸۵، صص ۴۷-۴۶
- ۱۵- زراعت، عباس، شرح قانون مجازات اسلامی، بخش قصاص. انتشارات ققنوس، ۱۳۸۱
- ۱۶- ژان پرادل، تاریخ اندیشه های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، دانشگاه شهید بهشتی، با همکاری موسسه نشر یلدا ج ۱، تهران، ۱۳۷۳، ص ۶۲، ۶۳
- ۱۷- سمیعی، حسین، حقوق جزا، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۲۵، ص ۱۲۴
- ۱۸- صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، انتشارات دانشگاه ملی ایران، تهران، ۱۳۵۴، ص ۱۶۸
- ۱۹- صلاحی، جاوید، کیفرشناسی، چاپ سوم، تهران، انتشارات سحوری، ۱۳۸۲، ص ۸۸
- ۲۰- فاضل موحدی لنگرانی، محمد، جامع المسائل (فارسی)، جلد ۱، انتشارات امیر قلم، قم - ایران، ۱۳۸۳، ص ۴۹۸



- ۲۱- فیض، علی رضا، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای اسلام، انتشارات وزارت ارشاد، تهران، چاپ ششم ۱۳۸۱ ص ۶۴
- ۲۲- علی آبادی، عبدالحسین، حقوق جنائی، جلد دوم: چاپخانه بانک ملی ایران، تهران، ۱۳۵۲، ص ۱
- ۲۳- عمید، حسن، فرهنگ فارسی، امیرکبیر، تهران ۱۳۶۳، ص ۳۹۳
- ۲۴- طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیرالمیزان، ۱۳۶۶، موسوی همدانی سیدمحمدباقر، ج ۱۵، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ص ۱۱۳-۱۱۴.
- ۲۵- طبرسی، فضل ابن حسن، ترجمه مجمع البیان فی تفسیرالقرآن، ۱۳۵۴، مترجمان، به تحقیق رضاستوده، ج ۱۷، تهران: فراهانی، ص ۹۶.
- ۲۶- عوده، عبدالقادر، التشریح الجنایی الاسلامی، ۱۳۷۲، مترجمان: ناصر قربان نیا، مهدی منصوری، نعمت الله الفت، ج ۱، تهران، جهاد دانشگاهی (دانشگاه شهید بهشتی)، معاونت فرهنگی، ص ۷۸.
- ۲۷- گلدوزیان، ایرج، بایسته های حقوق جزای عمومی، چاپ دوم، نشر میزان، تهران ۱۳۷۸، ص ۱۰۲.
- ۲۸- منتظری نجف آبادی، حسین علی، مبانی فقهی حکومت اسلامی با ترجمه صلواتی، محمود شکری، ابوال، ج ۴، تهران، کیهان، ۱۳۶۷، ص ۷۵
- ۲۹- موسوی خمینی، سید روح الله، توضیح المسائل (محشی - امام خمینی)، ۲ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، هشتم، ۱۴۲۴ هـ، ج ۲، ص ۹۲۱
- ۳۰- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، حدود و قصاص و دیات، تصحیح و تنظیم و تعلیق و ویرایش: محمد جواد ذهنی تهرانی، تهران، پیام حق، ۱۳۷۸، ص ۵۹
- ۳۱- مهرپور، حسین، نظام بین المللی حقوق بشر، چاپ دوم، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۳، ص ۱۰۱
- ۳۲- مارتینز، رنه، تاریخ حقوق کیفری در اروپا، محمد رضا گودرزی، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۲، ص ۲۰۰
- ۳۳- مهرپور، حسین، کندوکاوی در تمهیدات نظام بین الملل پیرامون حقوق بشر و جلوگیری از شکنجه، راهبرد، شماره ۳۰، زمستان ۱۳۸۲، ص ۱۹۴
- ۳۴- مهرپور، حسین، مجموعه نظریات شورای نگهبان، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۷۱، جلد اول، ص ۴۱۲
- ۳۵- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، انتشارات صدرا، چاپ دهم، ۱۳۸۷، ج ۲۱، ص ۲۹۵
- ۳۶- مصباح یزدی، محمد تقی، نظریه حقوقی اسلام، ۱۳۸۰، چاپ دوم، قم، انتشارات موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، ص ۲۹۲-۲۹۵
- ۳۷- مکارم شیرازی، ناصر (جمعی از نویسندگان)، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰، جلد ۱۴، ص ۴۰۱
- ۳۸- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۴، قم، دارالکتب الاسلامیه، مدرسه الامام امیر المؤمنین علیه السلام، چاپ ششم، ۱۳۶۷، ص ۳۶۰
- ۳۹- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، حدود و تعزیرات، ترجمه اکبر نایب زاده، ج اول، تهران، خرسندی، ۱۳۹۰، ص ۱۱-۱۲
- ۴۰- نوبهار، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، چاپ پنجم، گنج دانش، ۱۳۸۰، ص ۴۱۲



- ۴۱- نوبهار، رحیم، اهداف مجازات‌ها در جرایم جنسی چشم اندازی اسلامی، ۱۳۸۹، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ص ۱۳۲
- ۴۲- ولیدی، محمد صالح، حقوق جزای عمومی، جلد ۱، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۸ ص ۱۳۲
- (کتاب عربی)
- ۱- ابن بابویه، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، ۱۴۱۳ق، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، جلد ۴، ص ۴۲-۴۳
- ۲- ابن بابویه، محمد بن علی، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ۱۴۰۶ق، چاپ دوم، قم، دارالشریف الرضی، ص ۲۸۵
- ۳- الامام الغزالی، ابی حامد محمد بن محمد بن الغزالی الطوسی، المستصفی من علم الاصول، ۱۴۱۷ق، تحقیق و تعلیق محمد سلیمان الاشقر، ج ۱، بیروت مؤسسه الرساله، ص ۲۸۷
- ۴- بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ۱۴۱۶ق، چاپ اول، تهران، بنیاد بعثت، ص ۳۶۱
- ۵- الحسینی الشیرازی، سید محمد، الفقه، ج ۸، ص ۸۸ بیروت، دارالعلم، ۱۴۰۹، ص ۱۶۵؛ به نقل از رحیم نوبهار، بررسی قاعده فقهی حرمت تنفیذ از دین، تحقیقات حقوقی، یادنامه دکتر شهیدی، پاییز و زمستان ۱۳۸۴، ص ۱۶۵
- ۶- حلی (علامه)، حسن بن یوسف، تبصره المتعلمین فی احکام الدین، ۱۴۱۱ق، چاپ اول، تهران، مؤسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ص ۱۸۸
- ۷- حلی (محقق)، نجم الدین جعفر بن حسن، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، ۱۴۰۸ق، جلد ۴، چاپ دوم، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ص ۱۵۵-۱۵۶-۱۳۶
- ۸- الحر العاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی المسائل الشرعیه، ج ۱۸ و ۱۴، قم، انتشارات آل البیت، چاپ اول، ۱۴۰۹، ه ق، باب ۱، ص ۲۵۱ و ۲۵۲
- ۹- جبل العاملی، زین الدین بن علی، الروضة البهیة فی شرح المعه الدمشقیه، ترجمه حمید مسجد سرایی، ج ۹، حدود، قم، حقوق اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۱۴۵
- ۱۰- خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، ج ۲، ۱۴۲۷ق، چاپ دوم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ص ۴۴۷-۴۵۱
- ۱۱- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن در ماده جرم، چاپ دوم، دانشگاه تهران، ۱۳۳۶
- ۱۲- راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، دفتر نشر الکتاب، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق، ص ۲۲۱
- ۱۳- شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه (صبحی صالح)، ۱۴۱۴ق، چاپ اول، قم، ص ۴۲۷
- ۱۴- صافی گلپایگانی، لطف الله، التعزیر، احکامه و حدوده، ۱۳۶۱، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ص ۴۰
- ۱۵- طباطبایی، علی بن محمد، ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بدلائل، محقق/مصحح: محمد بهر مند/محسن قدیری/کریم انصاری/علی مروارید، قم، مؤسسه آل البیت، چاپ اول، انتشارات دارالهادی، ۱۴۱۲ه ق، ج ۲، ص ۴۵۹
- ۱۶- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷ق، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، جلد ۱۵، ص ۹۳



- ۱۷- طبرسی، امین الاسلام، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، قم، منشورات مکتبهٔ مرعشی نجفی، ج ۴، بی تا، ص ۱۲۴
- ۱۸- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، الخلاف، ۱۴۰۷ ق، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، جلد ۵، ص ۳۸۱.
- ۱۹- طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، بی تا، _____، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ص ۴۱۹.
- ۲۰- عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی، اللمعه دمشقیه فی الفقه الامامیه، ۱۴۱۰ ق، چاپ اول، بیروت، دار التراث - دار الاسلامیه، ص ۲۶۰.
- ۲۱- فغاری، علی اکبر، نواب الاعمال، ۱۳۸۴، چاپ اول، تهران، کتابفروشی صدوق، ص ۶۶۰.
- ۲۲- فتحی بهنسی، احمد، مدخل الفقه الجنایی الاسلامی، بیروت، دارالشرق، ۱۹۸۰ م، ص ۲۱
- ۲۳- فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، محقق / مصحح: مهدی مخزومی / ابراهیم سامرائی، قم، نشر هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ هـ ق، ج ۱، ص ۳۵۱
- ۲۴- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۱۴۰۷ ق، چاپ چهارم، جلد ۷، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ص ۱۷۴-۱۷۵-۳۵۱.
- ۲۵- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، فروع کافی، ج ۷، تحقیق: محمد جواد الفقیه، تصحیح: یوسف البقاعی، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۱۳ ق، ۱۳۷۲ ش، ص ۲۱۵
- ۲۶- متقی هندی، علاء الدین علی، کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، ۱۳۶۴ ق، تصحیح و تنظیم: فهارس صفوه السقا، تنظیم: شیخ بکری حیانی، بیروت، دارالرساله، ح ۱۴۰۹.
- ۲۷- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ۱۴۰۳ ق، چاپ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، جلد ۷۶، ص ۱۳۱.
- ۲۸- محمود عبدالرحمان، معجم المصطلحات والالفاظ الفقهیه، بی تا، ج ۱، ص ۴۷۰.
- ۲۹- مروارید، علی اصغر، سلسلهٔ النبیایع الفقهیه، بیروت، بی تا، جلد ۲۳، ص ۲۳۱
- ۳۰- مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ۱۳۴۹ ق، شرح یحیی بن شرف النوی، بی تا، قاهره، ح ۱۶۹۶.
- ۳۱- موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم، فقه الحدود و التعزیرات، ج ۲، ۱۴۲۷ ق، چاپ دوم، قم، موسسه النشر لجامعه المفید، ص ۲۵۲.
- ۳۲- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۴۱ و ۴۲، تهران، المکتبه الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵، ص ۳۵۳
- ۳۳- هذلی، یحیی بن سعید، الجامع للشرایع، ص ۵۴۹، دارالاضواء، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۶ ق.

(مقالات)

- ۱- امور تحقیق و پژوهش کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، ۱۳۹۰، گزارش تاملی بر مجازاتهای بدنی از منظر فقه، قانون و موازین بین المللی، بهمن ماه، ص ۱۱-۵
- ۲- ابوالحسنی، رحیم، «اجرای علنی مجازاتها از دیدگاه اسلام»، مجله رواق اندیشه، شماره ۶، اسفند ۱۳۸۰
- ۳- ایرانمهر، رضا، مجازات های اجتماعی، قضاوت، شماره ۵۱، خرداد و تیر ۱۳۸۷، ص ۲۸
- ۴- ابراهیمی، علی، مجازات بدنی، سایت پژوهشکده باقرالعلوم (ع)



- ۵- ای بادربین، مسعود، حقوق بشر و حقوق اسلام، اسطوره ناهمخوانی، ترجمه مصطفی فضائلی، مجموعه مقالات همایش بین المللی «مبانی نظری حقوق بشر» اردیبهشت ۱۳۸۲، دانشگاه مفید، چاپ اول، ۱۳۸۴، ص ۲۱۷
- ۶- حسینی وردجانی، حسین، اجرای حدود در اسلام، مرکز پژوهشهای صدا و سیما، ۱۳۸۳، ص ۴۸
- ۷- دهقان، حمید، تأثیر زمان و مکان بر قوانین جزایی اسلام، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۴۰، تابستان ۱۳۷۷، ص ۸۸
- ۸- دهقان منگابادی، بمانعلی، حایری، محمود، حیدری، فاطمه، حقوق فطری از دیدگاه قرآن، کتاب قیم بهار ۱۳۹۰، شماره ۱، ص ۱۶
- ۹- ربانی گلپایگانی، علی، علم و دین در قرون وسطی، کیهان اندیشه، آذرودی ۱۳۷۶، شماره ۷۵، ص ۷۸-۸۰
- ۱۰- رهامی، محسن، تحول و تعدیل مجازات ها در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران، اندیشه های حقوقی، شماره ۴، پاییز ۱۳۸۲، ص ۱۲
- ۱۱- راعی، مسعود، خشونت، احکام اسلامی و کنوانسیون های بین المللی، مجله معرفت، شماره ۵۸، مهر ۱۳۸۱، ص ۵۸
- ۱۲- زینالی، حمزه، کیفر بدنی، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، شماره ۴۳، تابستان ۱۳۸۲، ص ۵۴
- ۱۳- زمانی، محمود، نقش زمان و مکان در اجتهاد از دیدگاه شهیدصدر، نقد و نظر، شماره ۵، زمستان ۱۳۷۴، ص ۲۲۴
- ۱۴- سبحانی تبریزی، جعفر، بل امر بین الامرین لاجبرولا تفویض جبر و اختیار در قلمرو وحی و خرد، نور علم، فروردین ۱۳۶۸، شماره ۳۰، ص ۹۸
- ۱۵- سلیمی زارع، مصطفی، قاضی زاده، کاظم، کرامت انسانی در پرتو قرآن و روایات، بینات، بهار ۱۳۸۶، شماره ۵۳، ص ۸۸
- ۱۶- شریعت زاده، محمدباقر، بحث و انتقاد راجع به مجازات اعدام (آیا الغاء مجازات اعدام برای اجتماع مفید است یا خیر؟)، مجله کانون وکلاء، شماره ۱۰۰، بهمن و اسفند ۱۳۴۴، ص ۳۵
- ۱۷- شمس ناتری، محمد ابراهیم، فلسفه مجازات های حدی، نقد و نظر، شماره ۱۲، پاییز ۱۳۷۶، ص ۲۱۲
- ۱۸- عرفانیان، مسعود، «حقوق جزا و جرم شناسی»، وبلاگ تخصصی حقوق ایران، ۱۳۸۵، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی: <http://www.dad-law.blogfa.com>
- ۱۹- علاسوند، فریبا، حیات بخشی احکام در نظام کیفری اسلام، سنگسار، کتاب زنان، شماره ۲، زمستان ۱۳۷۷، ص ۱۲۱
- ۲۰- قربان نیا، ناصر، فلسفه مجازات ها در فقه کیفری اسلام، رواق اندیشه، مهر و آبان ۱۳۸۰، شماره ۳، ص ۳۴
- ۲۱- قربان نیا، ناصر، مجله نقد و نظر، تابستان و پاییز ۱۳۷۷، شماره ۱۵-۱۶، ص ۴۱۷-۴۴۸



- ۲۲- قاری سیدفاطمی، سیدمحمد، فقه شیعه و حقوق بشر جهان شمول، ضرورت اصلاح اجتهاد: زمینه گرای اخلاقی در مقابل متن گرای پوزیتیویستی ترجمه هدایت یوسفی، مجموعه مقالات همایش بین المللی «مبانی نظری حقوق بشر» اردیبهشت ۱۳۸۲، دانشگاه مفید، چاپ اول، ۱۳۸۴، ص ۴۵۳
- ۲۳- کدیور، محسن، حقوق بشر و روشن فکری دینی، بازتاب اندیشه، شماره ۴۲، آبان ۱۳۸۲، ص ۴۰
- ۲۴- کدیور، محسن، ماهنامه ی آفتاب، شماره ی ۴، مهر و آبان ۸۴، ص ۱۱۰
- ۲۵- کدخدایی، محمدرضا، حق کیفرومبنای آن از منظر اسلام و مکاتب بشری، نشریه علوم انسانی معرفت، اردیبهشت ۱۳۸۷، شماره ۱۲۵، ص ۱۶۵
- ۲۶- مکارم شیرازی، ناصر، مجازات های اسلامی خشونت ندارد، درس هایی از مکتب اسلام، شماره ۳، سال ۳۳، خرداد ۱۳۶۲، ص ۱۱
- ۲۷- محمودی، غلامرضا، فردی کردن مجازات ها و آثار آن در جلوگیری از تکرار جرایم، رساله فوق لیسانس حقوق جزا دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اراک، ۱۳۸۷، ص ۱-۳۹
- ۲۸- مهرپور، حسین، حقوق بشر در اسناد بین المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۴، ص ۱۹۸
- ۲۹- میرمحمدصادقی، حسین، «کنکاشی در تأثیر ارباب مجازات اعدام»، مجلسه دادرسی، شماره ۳۷، فروردین و اردیبهشت، ۱۳۸۲، ص ۷
- ۳۰- نوبهار، رحیم، ۱۳۸۱، به سوی مجازاتهای هرچه انسانی تر، مجموعه مقالات همایش بین المللی حقوق بشر و گفتگوی تمدن ها، دانشگاه مفید، ص ۳۲۵
- ۳۱- نوبهار، رحیم، به سوی مجازات های هرچه انسانی تر، مجموعه مقالات همایش بین المللی حقوق بشر و گفتگوی تمدن ها، دانشگاه مفید، ۱۳۸۱، همان ۳۲۵
- ۳۲- نوبهار، رضا، جدال با تجربه ها، کانون وکلا، شماره ۱۷۴، پاییز ۱۳۸۰، ص ۲۹
- ۳۳- نیک صفت، ابراهیم، روش، مبانی و نظریه انسان کامل در اسلام و انسان گرای، پژوهش و حوزه، بهار ۱۳۸۵، شماره ۲۵، ص ۱۲۱.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی